

۹

چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۷ | پنجمین جشنواره فیلم فجر | شماره ۱۶۱۶
www.shahrvaranews.com | www.shahrvaranews.com

موقعیت پناهگاه‌ها یا گریزگاه‌های امن منطقه سکونت خود (مثلا پارک‌ها یا سوله‌ها) را برای مواقع بحرانی شناسایی کنید.

نظر سنجی

مردم چه فیلم‌هایی را پسندیدند؟

فیلم‌های برتر آرای مردمی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر اعلام شدند. طبق این گزارش فیلم‌های ماجرای نیمروز: رد خون، بیست‌وسه نفر، تختی، متری شش و نیم، جان دار، شی که ماه کامل شد و سرخپوست هفت فیلمی هستند که بیشترین آرای مثبت مردمی را در میان فیلم‌های جشنواره به دست آورده‌اند. نکته مهم رأی‌گیری انتخاب فیلم‌های مردمی امسال تغییر در نحوه رأی‌گیری است و به گفته روابط عمومی جشنواره فیلم فجر مخاطبان فیلم‌های جشنواره برای شرکت در رأی‌گیری بهترین اثر از نگاه تماشاگران می‌توانند از طریق شماره‌گیری *۷۷* *۷۱۰* و طی کردن مراحل از طریق تلفن همراه اثر برگزیده خود را انتخاب کنند.

نگاه

سایه لیلا

امین فرج پور هر کسی برای فیلم دیدن معیارهایی دارد. نام کارگردان، ژانر، حال‌وهوای فیلم، تهیه‌کننده، بازیگران و هر معیار گفته و ناکفته دیگری می‌تواند معیار یک نفر برای انتخاب فیلمی برای تماشا کردن باشد. من نیز از این قاعده مستثنی نیستم. با این تفاوت که برای شخص من یک معیار دیگر نیز برای دیدن یک فیلم وجود دارد: لیلا حاتم‌ی!

لیلا حاتم‌ی بازیگری است که در طول کارنامه‌اش این اطمینان را ایجاد کرده که وقتی فیلمی را برای بازی انتخاب می‌کند، یعنی که آن فیلم استاندارد‌های اولیه یک فیلم سینمایی را خواهد داشت. کافی است کارنامه این بازیگر را مرور کنیم تا از وفور آثار استاندارد و متفاوت به وجد آیید: لیلا، شیدا، میکس، آب و آتش، ارتفاع پست، سالاد فصل، حکم، بی‌پولی، چهل سالگی، پرسه در مه، چیزهایی هست که نمی‌دانی، سعادت‌آباد، جدایی نادر از سیمین، پله آخر، در دنیای تو ساعت چند است؟، من، دوران عاشقی، رگ خواب، بمب، خوک و بی‌شمار فیلم دیگر که همگی از جمله فیلم‌های استاندارد دسینمای ایران هستند.

در کارنامه لیلا حاتم‌ی فیلم بد به مفهوم عام آن خیلی کم می‌توان دید - البته اگر سربینه‌مهر را به عنوان یک سوتی از بازیگری آگاه فاکتور بگیریم. با این نگاه مردی بدون سایه هم می‌توانست فیلمی باشد که بشود با خیال راحت به تماشا نشست.

در مردی بدون سایه اما لیلا حاتم‌ی رنگی از خود ندارد. شاید به این دلیل که رنگی ندارد. فیلم با این‌که در بیشتر دقایقش او را در قاب دارد، اما از این‌که در برون‌نظرها و مناظر خودبه‌خود به تماشاگر ناتوان است، این بی‌باوری و ناباوری به کاراکترها هم بسط می‌یابد و بدین ترتیب کاراکتری را که مدام جلوی چشم‌هایمان می‌بینیم، نمی‌شناسیم. این مشکل بزرگ فیلم است که در رابطه با کاراکترهای علی‌مصداف، فرهاد اصلاسی، گوهر خیراندیش و دیگر کاراکترهای کوتاه فیلم هم مصداق دارد.

لیلا اما در این فیلم آشکارا کوشیده به سهم خودش گلیم خود را از آب بیرون بکشد. ظرافت‌های نگاه و لحن - متفاوت از دیگر نقش‌آفرینش (که در ظاهر همه با هم شبیه به نظر می‌رسند، در حالی که چنین نیست و تنها نمی‌کند) دانه‌های تسبیح کارنامه این بازیگر را به هم متصل می‌کند، حضور بازیگری با نام لیلا حاتم‌ی (است) بین تلاش‌های - به‌بارننشسته - او برای خلق شخصیتی متمایز و یکه‌است، اما هیچ بازیگری به تنهایی نمی‌تواند یک فیلم را ارتقا دهد، حتی در کم‌غلط‌ترین آن هم ناتوان خواهد بود. چنین می‌شود که جدیدترین نقش‌آفرینی یکی از گزیده‌کارترین بازیگران این آب‌و‌خاک بدل می‌شود به نقطه ضعفی فاحش در کارنامه کم‌غلط لیلا حاتم‌ی. با تمام این اوصاف اما او حتی در این فیلم هم متقاعدکننده است.



یادداشت

با کمی عقبگرد اما همچنان دلبران!

مفهوم که گاهی بسیار درونی و شبیه نخواستاری در پستو مانده یک ذهن معشوش و حسرت‌زده می‌شود. ممکن است به مذاق مخاطبی که جهان شخصی برایش اهمیت زیادی نداشته باشد، نامفهوم و بی هدف جلوه کند.

فیلم «ناگهان درخت» هرچند به لحاظ فیلمنامه و شخصیت‌پردازی یک قدم از «در دنیای تو ساعت چند است؟» عقب‌تر است و بذر سوالاتی را در ذهن تماشاگر می‌کارد که پاسخی برایشان ندارد و حتی ساختاری که دارد به محکمی و قدرت فیلم اولش نیست اما این عقبگرد رانمی‌توان سقوط آزاد فیلمساز دانست. فیلم لحظه‌های حسی و بصری نابی دارد که می‌تواند حسایی ذهن و حال و احوال تماشاگر را درگیر کند، خصوصا که بزنانیان باز هم از جادوی موسیقی متن کریستف رضایی به خوبی برای تاثیر گذاری بیشتر اثرش در یک سری پلان‌ها استفاده کرده است. از همه اینها گذشته، پیمان معادی و مهناز افشار به‌عنوان بازیگران اصلی تلاش زیادی کرده‌اند. شیمی دلپذیر زوج علی مصفا و لیلا حاتم‌ی در فیلم اول بزنانیان را در «ناگهان درخت» نیز تکرار کنند، اما به نظر شخصیت‌های درون‌نگاری که بزنانیان در فیلم نامه‌های خلق می‌کند، اگر قرار است باورپذیر و اصلاحا «تول برو» باشند، باید توسط بازیگرانی بازی شود که در لایه‌های درونی و شخصی‌شان بخشی از آن ویژگی‌ها را داشته باشند تا در اجرا همه چیز طبیعی شود و انگار معادی و افشار از ویژگی‌های فرهاد و مهتاب چندان چیزی به‌ارت نبرده‌اند!



محمد صادق شایسته

روزنامه‌نگار

مخ‌گیری کارگردان جمشیدی!

فیلم جمشیدی در ششمین روز جشنواره فیلم فجر هم نتوانست در نخستین اکران خود در سینمای رسانه‌های اهل‌رسانه را کسب کند. شاید همین موضوع، بلدا جلیلی کارگردان فیلم را کمی عصبی کرده بود تا در برابر انتقاد خبرنگاران از این‌که گرہ اصلی فیلم خیلی دیر و در دقیقه ۴۵ به بعد بازی می‌شود تا مخاطب متوجه ماجرای آن شود، این‌طور حرف بزند و به آنها اعتراض کند: «لطفاً من را کلاه‌نگذارید، من خودم تدوینگر هستم. اولین گرہ فیلم دقیقه ۴۵ بازی می‌شود و بعد از آن ما شاهد اتفاقات دیگری در آن هستیم.»

خلاف فیلم‌هایی که سال‌های گذشته در جشنواره‌ها شرکت داده می‌شدند، امسال فیلم‌های بیشتر در لوکیشن‌های بیرونی و حتی شهرهای دیگر ساخته شده‌اند. مثل فیلم قصر شیرین که لوکیشن آن در جاده و حوالی یاسوج است یا لوکیشن بنفشه آفریقای که در بخش شمالی کشور است

برای نقش مهمش در تازه‌ترین فیلم نرگس آبیاری باشد. همچنین هوتن شکیبیا به احتمال زیاد برای بازی در رخشان خود در فیلم شبنم که ماه کامل شد، نامزد دریافت بهترین بازیگر مرد و دریافت سیمرغ بلورین خواهد شد. او در نشست خبری این فیلم هم البته واکنش جالبی به ماجرا در مقابل خبرنگاران داشت: «سعی می‌کنم خیلی ذوق‌زده نشوم.» به جرأت می‌توان گفت فیلم نرگس آبیاری یکی از پرجایزه‌ترین فیلم‌های امسال در بخش کارگردانی، فیلمبرداری، بازیگران، طراحی، لباس‌دکور و گریم است. فیلم غلامرضا تختی آخرین ساخته توکلی هم مثل «شبنم» که ماه کامل شد» شانس زیادی برای نامزدی و دریافت جایزه دارد. این کارگردان اگر چه از بودجه و توان مالی خوبی برخوردار بوده است، اما در عین حال توانسته بازی‌های خوبی بگیرد، قاب‌های سینمایی ببندد و در غیاب شخصیت‌پردازی دقیق این قهرمان کشتی، صحنه‌های باورپذیری از اتفاقات آن روزها بیافریند. البته فیلم طلا، سرخپوست و متری شش و نیم هم امسال فیلم‌هایی هستند که مسعود فراستی از آن تعریف و از کارگردان و بازیگران آنها تقدیر کرده است. با وجود این نمی‌شود از فیلم مسخره‌باز و طراحی گریم، لباس و طراحی صحنه عجیب و خلاقانه آن گذشت و احتمالاً یکی از گزینیه‌های قطعی نامزدی برای این بخش از جشنواره امسال، سهیل دانش، طراح صحنه نخستین فیلم همایون غنی‌زاده است. به نظر می‌رسد فیلم بنفشه آفریقای به کارگردانی مونا زندگی حقیقی هم اگر چه واکنش‌های خوبی از مردم گرفت و حتی در روزهای قبل جزو ۱۰ فیلم برتر با رأی مردمی بود، شانس کمتری برای کسب کردن جایزه‌ها داشته باشد.



حالا بیشتر حول محور فیلم‌های متری شش و نیم، فیلم غلامرضا تختی، شبنم که ماه کامل شد و البته فیلم سرخپوست که هنوز در سینمای رسانه اکران نشده است، می‌چرخد. در روزهای گذشته آن چیزی که بیشتر از همه در چهره منتقدان و روزنامه‌نگاران دیده می‌شود، رضایت نسبی از این فیلم‌ها و بازیگران و مجموعه عواملی است که آن را ساخته‌اند. مثلا شانس نوید محمدزاده همچنان برای سیمرغ زیاد است و شاید یکی از گزینیه‌های سیمرغ بلورین هم الناز شاکردوست

چاشنی

خورش قیمه روی فیلمنامه ایرج ملکی!

نساخته و تازه‌ترین اثرش که در آن برخی از اصول اولیه فیلمسازی هم رعایت نشده، چیزی بیش از یک قصه مبهم همراه با همان بازیگران همیشگی‌اش نیست.

در باره مردی بدون سایه نکته دیگری که به کرات مورد اشاره قرار گرفته، پایان آن است. پایانی که برخلاف ادعای کارگردان پایان‌باز نیست، بلکه پایانی ناقص است که فیلم‌ران‌نیمه تمام‌باقی می‌گذارد. کاربری در این زمینه باطنز بازمه‌ای به این نکته اشاره کرده: «یه نکته در باره مردی بدون سایه بگم، انکار که خورش قیمه ریخته شده بوده، رو فیلمنامه از وسطش دیگه نرسیده واسه ساخت». و البته نظرهای طنزانه دیگری هم درباره فیلم رئیس‌بان در فضای مجازی موجود است: «ز فیتیم فیلم مردی بدون سایه. تو چند تا ساکس، کپی‌کاری از کارای استاد ایرج ملکی کرده بودن. کاش حداقل اسم استاد رو تو تیزر از میزدین نامردا!»

مردی بدون سایه واکنش‌های یکپارچه‌ای برانگیخته. از این منظر این فیلم از محدود فیلم‌هایی است که توانسته واکنش‌هایی چنین شبیه به هم را در فضای مجازی به وجود آورد. با این توضیح که تقریباً تمام واکنش‌ها موضعی انتقادی و اعتراضی نسبت به این فیلم دارند - که این می‌تواند مبین تلاش‌های به‌بارننشسته علی‌رضایی و فیاضی باشد.

واکنش‌های کاربران رسانه‌های اجتماعی تقریباً در کندی‌بودن، کسل‌کننده‌بودن و البته متقاعدکننده نبودن داستان فیلم مردی بدون سایه اجماع دارند. بگذریم از این‌که برخی از کاربران موضع‌گیری‌هایی حتی تندتر نیز داشته‌اند؛ از جمله کاربری که این فیلم را «مزخرف‌ترین فیلمی که دیده» نامیده است: «داستان تکراری مرد شکاک باریتمی کند و کسل‌کننده». یا: «مردی بدون سایه مهر تاییدی بر پایان دوران فیلمسازی علی‌رضا رئیس‌بان است. فیلمسازی که سال‌هاست فیلم خوبی



ژاک ب دو تهیه‌کننده فرانسوی فیلم بلد را و سوری مازیان دومولن تهیه‌کننده دیگر این فیلم را اگر فته است: «کاری نکند پای گشت ارشاد وسط بیاید.»



سارا بهرامی در مراسم فوتوکال سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر حسابی هیجان‌زده است. لابد می‌خواسته بگوید: «هیچ‌کدامتون نمی‌تونید مثل من فیلم بازی کنید.»



گیر لو، ره‌رو ششم در نشست‌های خبری جشنواره فیلم فجر بود. این‌جا هم احتمالاً می‌خواهد بگوید: «به من ربطی نداره دته فیلم‌ها ایدیه‌ام و نه چیزی در باره‌شان گفته‌ام.»